



اختیارات دانشگاهها

ضرورتی آزموده شده

مصاحبه با دکتر سمنانیان
رئیس دانشگاه تربیت مدرس

است. باید توجه کرد که سازمان مدیریت از معاونت‌های مختلفی تشکیل شده است و زیر نظر هر معاونی چندین مدیر کل مشغول به کار هستند.

یکی از این ادارات کل به دانشگاه‌ها اختصاص دارد. باید دید قبل از انقلاب شرایط چگونه بوده است و هم اکنون چگونه است. قبل از

انقلاب، مثلاً در پاییز ۵۷، کشور ۲۶ دانشگاه داشته است؛ دانشگاه‌هایی که اکثرأً، غیر از رشته پزشکی در حد فوق دیپلم و لیسانس کار می‌کردند و دوره‌های فوق لیسانس و دکتری چندان رایج نبودند.

ما قبل از انقلاب ۲۰۷ دانشجوی دکتری داشته‌ایم. دفتر آموزش عالی سازمان مدیریت باید برای ۲۶ دانشگاه و مجموعاً ۱۷۵ هزار دانشجو در طول سال برنامه‌ریزی می‌کرد.

در حال حاضر ۲/۳ میلیون دانشجو و ۱۵۰۰ مرکز آموزش عالی داریم که حدود ۱۵۰ عدد از آنها دانشگاه‌اند. تعریف مسئله کاملاً متفاوت شده است. دانشگاه

تهران فعلی با ۳۱ هزار دانشجو و ۱۴-۱۵ هزار دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی تهران را (در مجموع ۵۰-۶۰ هزار دانشجو) اصلاً نمی‌توان با

● بحث اصلی در این مصاحبه استقلال دانشگاه‌ها در قانون جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. شما به عنوان رئیس یکی از دانشگاه‌های کشور این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ بسم الله الرحمن الرحیم. در شرایط حاضر برای جواب دادن به این سوال باید توجه مخاطبان را به این نکته جلب کنیم که تا به حال تصمیم‌گیری درباره دانشگاه‌ها در این حوزه‌ای که به هیئت‌های امنا تفویض شده است در چه جایگاه‌هایی انجام می‌شده است و حال که هیئت‌های امنا جایگزین تصمیم سازها و تصمیم گیرهای قبلی شده‌اند آیا طبق پیش‌بینی و حدس ما شرایط مطلوب‌تر خواهند شد یا باید دغدغه و نگرانی داشته باشیم و احساس خطر کنیم.

تا به حال جایگاه‌های مختلفی درباره دانشگاه‌ها تصمیم می‌گرفتند که یکی از آنها مجلس شورای اسلامی است که در جایگاه قانونگذاری است که امتداد و استمرار خواهد داشت و از اختیارات مجلس چیزی کاسته نخواهد شد. جایگاه دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی است که تصمیم‌گیری آن هم استمرار و ادامه خواهد داشت و بنا هم ندارد که وارد مسائل ریز اجرایی شود و در زمینه سیاست‌های کلان کار می‌کند. سیاستگذار دیگر شورای تشخیص مصلحت نظام است که آن هم در زمینه مسائل فوق‌العاده کلان و دیدگاه‌های کلی فعالیت می‌کند و کار آن هم استمرار دارد.

وزارت علوم هم در حوزه‌هایی تصمیم‌سازی می‌کرده است که همچنان مسئولیت، وظایف و اختیارات آن باقی است. وزارت علوم مایل بوده است که مقداری از اختیارات خود را به هیئت‌های امنا واگذار کند (که درباره بدی یا خوبی آن پس از این مفصل‌تر صحبت خواهیم کرد). مقداری از اختیارات سازمان مدیریت هم به هیئت‌های امنا واگذار شده

آیا دانشگاه‌ها از این که این چند کارشناس سازمان مدیریت برای آنها برنامه‌ریزی نمی‌کنند و هیئت‌های امنای آنها، بر مبنای شرایط موضوعی خودشان، برایشان برنامه‌ریزی می‌کنند، ضرر می‌کنند؟ آیا واقعاً شرایط دانشگاه بوشهر با شرایط دانشگاه صنعتی اصفهان یکسان است؟ مسئله کیفیت و کمیت نیست؛ شرایط این دانشگاه‌ها متفاوت‌اند. آیا می‌پسندیم که چند کارشناس سازمان مدیریت برای همه این دانشگاه‌ها تصمیم بگیرند؟

قبل از انقلاب از نظر ابعاد و کیفیت مقایسه کرد. در حال حاضر دانشگاه تهران (نه دانشگاه علوم پزشکی تهران) هشت هزار دانشجوی فوق لیسانس و دکتری دارد که اصلاً با قبل از انقلاب از هیچ نظر قابل مقایسه نیست.

این دفتر در سازمان مدیریت، با پرسنلی که تعداد آنها چندان تغییری نسبت به قبل از انقلاب نکرده است، باید هم اکنون برای ۱۵۰ دانشگاه و ۲/۳ میلیون دانشجو برنامه‌ریزی کند. قبلاً هشت هزار استاد داشتیم و الان سی هزار استاد فقط در دانشگاه‌های دولتی داریم. صحنه کاملاً عوض شده است. پس آیا دانشگاه‌ها از این که این چند کارشناس سازمان مدیریت برای آنها برنامه‌ریزی نمی‌کنند و هیئت‌های امنای آنها، بر مبنای شرایط موضوعی خودشان، برایشان برنامه‌ریزی می‌کنند، ضرر می‌کنند؟ آیا واقعاً شرایط دانشگاه بوشهر با شرایط دانشگاه صنعتی اصفهان یکسان است؟ مسئله کیفیت و کمیت نیست؛ شرایط این دانشگاه‌ها متفاوت‌اند. آیا می‌پسندیم که چند کارشناس سازمان مدیریت برای همه این دانشگاه‌ها تصمیم بگیرند؟ آیا بد است که هیئت امنای هر دانشگاه برای آن دانشگاه تصمیم بگیرد؟

دوم این که ما کشوری هستیم که غیر از آن پانصد سالی که دانشگاه جندی شاپور را داشتیم (۳۰۰ سال قبل و ۲۰۰ سال بعد از اسلام)، از نظر دانشگاهی فاصله‌ای بعید با دوران جدید داریم. درست است که مدارس علمیه، نظامیه‌ها، رصدخانه‌ها و بیمارستان‌ها وجود داشته‌اند و از نظر علمی کارهایی شده است ولی سابقه دانشگاه به صورت مدون به بعد از دارالفنون و تشکیل دانشگاه تهران برمی‌گردد. اگر تاسیس دانشگاه تهران را سرآغاز تاریخ دانشگاهی جدید ایران فرض کنیم، تاریخ دانشگاهی ما هفتاد سال است. در قاره آمریکا، دانشگاه هاروارد ۳۶۰ سال سابقه دارد. در اروپا دانشگاه آکسفورد ۷۰۰ سال سابقه دارد و ده‌ها و صدها دانشگاه دیگر در جاهای مختلف با قدمتهایی بیش از دانشگاه‌های ما وجود دارند. آیا کاری که ما کرده‌ایم در دانشگاه‌ها متعارف و مطابق با تجربه‌های چند صد ساله جهانی است یا خیر؟ این کار را ما اصلاً از خودمان ابداع نکرده‌ایم. درست است که در تاریخ ما هم سابقه داشته است و مثلاً در ربع رشیدی یک نوع هیئت امناء علاوه بر رشیدالدین فضل‌ا... که هدایت می‌کرده است، وجود داشته است ولی دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته به صورت هیئت امنایی اداره می‌شوند. بنابراین ابداعی من‌درآوردی نیست که نگران موفقیت یا عدم موفقیت آن باشیم. روشی پسندیده در دانشگاه‌هایی است که چند صد سال سابقه و تجربه دارند و به این نتیجه رسیده‌اند که مثلاً یک ذی‌حساب از طرف وزارت اقتصاد و دارایی نباید قبل از هزینه کردن اجازه آن را به رئیس دانشگاه بدهد بلکه یک حسابرس، شبیه آن چه که در بانک‌ها هست، بعد از هزینه کردن گزارش عملکرد مسئولان دانشگاه را به هیئت امنای می‌دهد و عملکرد زیر نظر هیئت امنای کنترل می‌شود. توجه کنید که می‌دانیم که دانشگاه‌ها از سالم‌ترین موسسات اجتماعی در کشور ما و همه کشورها هستند. اصولاً محیط‌های فرهنگی، محیط‌های سوء استفاده‌های مالی نیستند. چقدر بحث رشوه و اختلاس در دانشگاه‌ها مصداق دارد؟ اصلاً وجود ندارد. بعد از انقلاب، یک دانشگاه نبوده است که چنین پدیده‌های منفی مالی در آن به چشم

بخورد. بنابراین سیستم‌های دانشگاهی سیستم‌های سالمی هستند که با اعتماد بسیار بالا می‌توان به آنها نگریست و سیستم‌هایی هستند که تمرکز علم یک جامعه در آنها هست بنابراین خوب است که دانشمندان در دانشگاه‌ها تصمیم بگیرند که دانشگاه‌ها چگونه اداره شوند؛ هیئت‌های امنای که از رئیس جمهور حکم گرفته‌اند و مسلماً افرادی صاحب نظر، زبده و با تجربه هستند و معتمد نظام‌اند، تصمیم بگیرند و بر چگونگی اداره دانشگاه‌ها نظارت کنند تا چند کارشناس سازمان مدیریت یا فردی که از وزارت اقتصاد فرستاده شده باشد.

بنابراین به نظر من تصمیم عاقلانه بوده است و ای کاش ۳۰-۴۰ سال پیش این تصمیم گرفته شده بود و الان همچنان دانشگاه‌ها از آن بهره می‌بردند اما به هر حال جلوی ضرر را هر وقت بگیریم منفعت است و

این تصمیم به هیچ وجه نگران کننده نیست. دیدگاهی را باید در جامعه تصحیح کنیم؛ این که دانشگاه‌ها باید شبیه شیشه‌های نوشابه‌ای که از کارخانه بیرون می‌آیند درست هم قد و قواره یک دیگر باشند و اگر اختلافاتی با هم داشته باشند بد است. این دیدگاه باید اصلاح شود. خوب است که یک دانشگاه از نظر علمی قوی‌تر باشد و دانشگاه‌های دیگر رقابت کنند که به آن برسند. رقابت سالم علمی باید در دانشگاه‌ها حکم فرما باشد. خوب است که دانشگاهی ایده‌ای را به منصف ظهور برساند و ابتکار و نوآوری را به خرج دهد و آن را دنبال کند تا به موفقیت برسد و برای دانشگاه‌های دیگری که این نوآوری را ندارند الگو شود.

بر فرض اگر چند خطا و اشتباه هم در طول کار پیش آید در روند خود اصلاح و با آنها برخورد می‌شود. از ترس این چند خطا نباید گفت که تمام دانشگاه‌ها باید درست یک قد و قواره باشند و اختلاف آنها ضرر دارد. آیا سطح همه مدارس دولتی یکی است؟ خیر. چنین چیزی اصلاً امکان پذیر نیست.

● در واقع تفاوت بین دانشگاه‌ها همیشه وجود داشته و هیئت امنایی نبودن دانشگاه‌ها مانع از آن نمی‌شده است.

○ دیدگاهی هست که این تفاوت را مذموم تلقی می‌کند در حالی که من این تفاوت را مفید و موجب حرکت و رقابتی سالم و بالیدن فکری جدید می‌دانم. چرا وقتی فکر و ابتکاری جدید می‌خواهد در یک دانشگاه نضج بگیرد، باید فلان کارشناس سازمان مدیریت درباره آن دستور دهد؟ این غلط است. این لباس تنگ را باید از تن دانشگاه‌ها درآورد و دور انداخت. دانشگاه‌هایی که تمرکز فکر یک جامعه هستند باید اجازه رشد و نمو داشته باشند؛ نه این که دست و پای آنها را ببندیم و بگوییم که بروند و مجوز رشد و نمو را از فلان کارشناس سازمان

استقلال دانشگاه‌ها روشی پسندیده در دانشگاه‌هایی است که چند صد سال سابقه و تجربه دارند و به این نتیجه رسیده‌اند که مثلاً یک ذی‌حساب از طرف وزارت اقتصاد و دارایی نباید قبل از هزینه کردن اجازه آن را به رئیس دانشگاه بدهد بلکه یک حسابرس، شبیه آن چه که در بانک‌ها هست، بعد از هزینه کردن گزارش عملکرد مسئولان دانشگاه را به هیئت امنای می‌دهد و عملکرد زیر نظر هیئت امنای کنترل می‌شود

مدیریت بگیرند تا اجازه رشد پیدا کنند. شک نکنید که به سه سال نمی‌رسد که تمام سیستم‌های موجود از این تحولی که در دانشگاه‌ها به وجود آمده است متأثر می‌شوند و بر این کار جدید صحنه می‌گذارند. طرحی که ما مبتکر آن نیستیم و ده‌ها و صدها سال است که در دنیا انجام می‌شود و موفق است. اگر سازمانی را بی‌فکر می‌دانیم و معتقدیم که باید "دستش بگیریم و پا به پا ببریم" و مدیران آن را ضعیف بی‌سواد و ناتوان می‌دانیم، اشکالی ندارد که هزار رئیس و مرئوس و ناظر برای آن بگماریم. اگر سازمانی را مطمع نظر متخلفان و اختلاس‌گران می‌دانیم، عیبی ندارد اگر هزار بازرس و ناظر و متولی برایش بگذاریم ولی وقتی در سازمانی شاهد تمرکز نخبگان جامعه،

سیستم‌های دانشگاهی سیستم‌های
سالمی هستند که با اعتماد بسیار بالا
می‌توان به آنها تکیه کرد و سیستم‌هایی
هستند که تمرکز علم یک جامعه در آنها
هست بنابراین خوب است که دانشمندان
در دانشگاه‌ها تصمیم بگیرند که دانشگاه‌ها
چگونه اداره شوند

ایده، تفکر و علم هستیم و به تجربه ده‌ها ساله معتقدیم که سالم‌ترین سازمان‌های اجتماعی است، نباید نگران باشیم.

● افزایش اختیارات دانشگاه‌ها فقط امور اجرایی را در بر می‌گیرد یا شامل مسائل آموزشی نیز می‌شود. مثلاً آیا هر دانشگاه می‌تواند سرفصل‌های آموزشی را خود تعیین کند؟

○ این قضیه که به قانون جدید مربوط نیست و از سال‌ها پیش در وزارت علوم و وزارت بهداشت انجام شده است. یعنی این دو وزارتخانه قدم به قدم دریافته‌اند که بهتر است اختیارات خود را به دانشگاه‌ها بدهند. به نظر شما همین سرفصل دروس در شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم چگونه طراحی می‌شده است؟ تعدادی استاد در زمینه‌ای خاص از دانشگاه‌های مختلف در جلساتی در وزارت علوم این کار را انجام می‌دهند. به جای آن که آن تعداد استاد در وزارت علوم جمع شوند، استادان خود دانشگاه‌ها این کار را انجام دهند. اینها همان افراداند. آیا قرار است غیر متخصصان درباره سرفصل دروس تصمیم بگیرند؟ آیا در بحث سرفصل دروس، خوب است که دانشگاه‌ها عین هم باشند یا این که تفاوت داشته باشند؟ اصلاً خوب است که تفاوت‌هایی داشته باشند. در بهترین دانشگاه‌های دنیا چگونه است؟ آنها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که باعث رشد علم در آن کشورها شده است. این کار باعث می‌شود که دانشگاه‌ها از یکدیگر الگو و تأثیر بگیرند و حسن یکسان نبودن در این حوزه‌ها هم برقرار خواهد بود. بنابراین همان گونه که یک شرکت اجازه ابداع و ابتکار را در محدوده کاری خود دارد، باید گذاشت در جایی که نخبگان جامعه تجمع کرده‌اند امکان بروز و ظهور نظریات، ابداعات و ابتکارات، در جهت رشد و تعالی کشور وجود داشته باشد. دائم نباید هر فکر جدید را با این فکر که

ممکن است بد شود، محدود کرد. این ترس مذموم است و باعث می‌شود که افراد فقط الگوهای قدیمی و سنتی را دنبال کنند و اصلاً ابتکاری نداشته باشند. بعضی از روش‌های اداری ما متعلق به زمان قاجاریه یا پهلوی است. چه چیز مانع می‌شود که این روش‌های کهنه و رنگ‌باخته و نخ‌نما شده را عوض نکنیم؟ همین دیدگاهی که به فکرها اجازه رشد و نمو نمی‌دهد و از ترس عارضه این کار را می‌کند. من تحولات اخیر را منشاء خیر می‌دانم و به عنوان یک ایرانی از مسئولان محترمی که این تحولات جدید را طراحی کرده‌اند ممنونم و افق آینده را روشن می‌بینم و بسیار خوشبین‌ام که این اقدامات موجب حرکت رو به جلو و رشد دانشگاه‌ها خواهد شد و خوشحالم که فرزندان من در فضایی علمی تر و عقلانی‌تر زندگی خواهند کرد و خوشحالم که این رویه‌های اصولی یکی پس از دیگری به صحنه می‌آیند و جای خود را باز می‌کنند و متداول و متعارف می‌شوند.

● حال که بحث مزایای تفاوت دانشگاه‌ها مطرح شد، آیا وزارت علوم یا دانشگاه‌ها فکری به حال نحوه پذیرش دانشجو نیز کرده‌اند تا این تفاوت‌ها لحاظ شوند؟ الان، لاقلاً تا مقطع فوق لیسانس، همه در آزمون ورودی یکسانی شرکت می‌کنند و به سوالات یکسانی جواب می‌دهند بدون این که بدانند دانشگاهی که قصد ورود به آن را دارند چه انتظاری از آنها دارد. آیا برای این مسئله هم فکری شده است؟

○ این تجربه مولود یک الزام بوده است؛ این که عرضه و تقاضا با هم همخوانی نداشته‌اند. این دو دارند به هم نزدیک می‌شوند یعنی هم تعداد متقاضیان کم می‌شود (به دلیل عبور رشد جمعیتی در مقطعی خاص از سنین کنکور) و هم از طرف دیگر تعداد کرسی‌ها به طرز چشمگیری افزایش پیدا کرده است. اگر تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان ایران را جمع کنیم، ۲۵ درصد جمعیت ایران صبح به صبح برای علم اندوزی از خانه خود خارج می‌شوند که این در تاریخ ایران بی‌سابقه و تحولی غرور‌آفرین است. به دنبال پر شدن این فاصله عرضه و تقاضا و زیاد شدن امکانات و تنوع دانشگاه‌ها و بالاتر رفتن ظرفیت دانشگاه‌ها امکان برنامه‌ریزی در این زمینه بیشتر شده است و طلیعه‌هایی بسیار خوب در این زمینه مشاهده شده است. تنوع پذیرش دانشجو الان بسیار زیاد شده است (دوره‌های شبانه، نوبت دوم، فراگیر، پیام نور، دانشگاه علمی کاربردی و...). در این زمینه نیز معتقدم که در سال‌های آتی شاهد تغییری چشمگیر خواهیم بود. در بعضی کشورها، طبق قانون اساسی، نمی‌توان مانع ورود کسی به دانشگاه‌ها شد ولی آنها نیاز خود را بدین گونه تنظیم می‌کنند که مثلاً ۲۰۰ نفر را سر یک کلاس می‌نشانند که در سال دوم به ۶۰ نفری که نیاز کشور است، ریزش می‌کند. روش‌های مختلفی وجود دارد که بر اساس امکانات و شرایط باید به تدریج یکی پس از دیگری در پیش بگیریم ولی سیستم آموزش عالی ما حرکتی عاقلانه و تدریجی را برای حل این معضل و نگرانی خانواده‌ها در پیش گرفته است و امیدواریم که در سال‌های آینده هم صورت مسئله به کلی عوض شود. ولی به هر حال واقعیت‌هایی نیز خود را تحمیل می‌کنند. اثرات این رشد عجیب جمعیت خود را به این صورت نشان داد ■